

بررسی مقایسه ای ویژگیهای زبانی و وضعیت تحصیلی کودکان شبه خانواده با کودکان غیر شبه خانواده ۷ ساله

محمد رحیم شاهبداغی^۱، علی اصغر ذبیحی^۲، دکتر یحیی مدرس^۳، محمود علی پورحیدری^۴

^۱ مربی دانشکده توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

^۲ دانشکده توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

^۳ دانشیار پژوهشکده علوم انسانی

^۴ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

چکیده

زمینه و هدف: زبان بیانی و نوشتاری یکی از جامعترین توانایی های بشر است که تحت تاثیر محیط می باشد. کودکان زبان را در طیف وسیعی از شرایط محیطی می آموزند و محیطهای مختلف می تواند تاثیرات قابل توجهی بر سرعت رشد زبان بگذارد. یکی از این محیط ها، شبه خانواده ها هستند. در این پژوهش سعی شده است که مقایسه ای بین کودکانی که در این مکانها زندگی می کنند با کودکانی که در محیط خانواده زندگی می کنند، انجام گیرد.

روش بررسی: مطالعه از نوع مورد - شاهد، توصیفی - تحلیلی می باشد. این مطالعه بر روی ۲۱ پسر و دختر شبه خانواده (۱۳ پسر و ۸ دختر) و ۲۱ پسر و دختر غیر شبه خانواده همکلاسی آنها (۱۳ پسر و ۸ دختر) در خانواده های سطح شهر تهران انجام گردید. میانگین سنی در گروه شبه خانواده (مورد) ۹۰ ماه و در گروه غیر شبه خانواده (شاهد) ۸۷ ماه بود. از هر کدام از کودکان ابتدا آزمون TOLD گرفته شد در جلسه بعد آزمون خواندن گرفته شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و همچنین نمرات ۱۰ دیکته آخر کودک با توجه به دفتر دیکته کودک نیز ثبت گردید و میانگین آنها محاسبه شد.

یافته ها: در بررسی مقایسه ای که توسط آزمون T مستقل و آزمون همبستگی پیرسون بین دو گروه کودکان شبه خانواده و غیر شبه خانواده بعمل آمد مشخص گردید که بین میانگین نمره زبان بهر کودکان شبه خانواده و کودکان غیر شبه خانواده (دختر و پسر به تفکیک) تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین بین میانگین نمرات خواندن (دقت خواندن و سرعت خواندن) و میانگین نمرات دیکته کودکان شبه خانواده با کودکان غیر شبه خانواده تفاوت معنا دار وجود دارد. همچنین در گروه شبه خانواده بین تعداد سالهای حضور در شبه خانواده با میانگین نمرات دیکته، میانگین نمرات خواندن و میانگین نمرات زبان بهر ارتباط معنادار پیدا نشد.

نتیجه گیری: بر اساس یافته های حاصل از این پژوهش، بین میانگین نمرات زبان بهر برای دو گروه کودکان شبه خانواده و کودکان غیر شبه خانواده تفاوت معناداری دیده شد بدین معنی که محیط زندگی کودکان شبه خانواده بر توانمندیهای زبانی آنها تاثیر منفی داشته است که همین قضیه در مورد نمرات آزمون خواندن و نمرات دیکته نیز مصداق داشت. اما با توجه به تعداد کم آزمودنیها، نیاز به بررسیهای بیشتر می باشد.

واژگان کلیدی: شبه خانواده، زبان بهر، وضعیت تحصیلی

تاریخ پذیرش مقاله: آذر ۱۳۸۵

تاریخ وصول مقاله: مهر ۱۳۸۵

نویسنده مسئول: مربی گروه آموزشی گفتاردرمانی دانشکده توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

shahbodaghi@sina.tums.ac.ir

مقدمه

آموزند (۸). در مطالعه‌ای که توسط شارون گلنن (Sharon Glennen ۲۰۰۵) روی ۲۸ کودک ۱۲ تا ۲۴ ماهه به تازگی از اروپای شرقی به پرورشگاه‌های آمریکا آمده بودند. نتایج این تحقیق نشان داد که با اینکه اکثر این کودکان به ظاهر در محدودهٔ هنجار بودند ولی در مقایسه با یک گروه همسن، آنها نتایج زیر بدست آمد: ۶۵٪ این کودکان نیاز به مداخله نداشتند. ۷ درصد آنها مرزی شناخته شده و نیازمند ارزیابی مجدد در طی ۲-۳ ماه بعد بودند و ۲۸٪ آنها به مداخله آسیب شناس گفتار و زبان نیاز داشتند.

زبان مبنایی برای کسب و گسترش بسیاری از مهارت‌های بعدی کودک می‌باشد. یکی از توانایی‌هایی که مستقیماً تحت تاثیر توانایی‌های زبانی می‌باشد توانایی خواندن و نوشتن است (۹). خواندن به عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزارهای یادگیری از اهمیت بسزایی برخوردار است و در بسیاری از جوامع سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای در جهت رشد مهارت خواندن صورت می‌گیرد. در جهان متقدم امروزی فردی که قادر به خواندن بصورت کامل نیست با مشکلات و معضلات زیادی از جمله مشکلات عاطفی- روانی مواجه است. از آنجاییکه خواندن و نوشتن، تبدیل کلمات نوشتاری به گفتاری و بالعکس می‌باشد هر گونه تاخیر و انحراف در زبان گفتاری می‌تواند تاثیر منفی در مراحل یادگیری این تواناییها داشته باشد (۱۰).

البته علاوه بر وابستگی مستقیم خواندن و نوشتن به سطح زبانی کودک، این تواناییها می‌تواند تحت تاثیر شرایط محیطی نیز قرار گیرد مثلاً شرایط محیطی مساعد باعث رشد بهتر مهارت‌های تحصیلی گردد و یا اینکه شرایط نامساعد بعنوان یک عامل مخرب عمل نماید. اما با حمایت‌های جبرانی مناسب در بسیاری از مواقع می‌توان این نواقص را جبران کرد. بطور کلی اختلال در مهارت‌های زبانی می‌تواند بر وضعیت تحصیلی و ارتباطی کودک در کوتاه مدت و بر

زبان به عنوان یک کارکرد روانشناختی یکی از پیچیده‌ترین و قویترین تواناییهای بشری است و از طرف دیگر یکی از حساسترین و آسیب پذیرترین تواناییهای انسان به شمار می‌رود (۱). طبق نظر پیازده زبان تنها یک وسیله ارتباطی نیست و بلکه در سه حوزه وسیع زبان کاربرد مستقیم دارد: ۱- برقراری ارتباط ۲- کنترل رفتار ۳- عملکرد شناختی (تفکر) (۲). مراحل رشد زبانی توسط یک برنامه‌ریزی ژنتیکی کنترل می‌شود. انسان ابتدا با یک ششم زبانی بدنیا می‌آید و در محدوده وسیعی از شرایط محیطی آنرا می‌آموزد. از آنجاییکه کودکان همیشه همان زبان و لهجه‌ای را که در معرض آن قرار گرفته‌اند می‌آموزند، می‌توان نتیجه گرفت که زبان تحت تاثیر شرایط محیطی نیز هست و به تغییرات محیط حساس می‌باشد (۳).

در مراحل رشد کودک یک دوره حساس زبان آموزی وجود دارد که دوره‌ای مهم برای رشد عملکردهای شناختی از جمله زبان می‌باشد. رشد مناسب در طی این دوره، متضمن رشد مطلوب در مراحل بعدی است (۴). با توجه به اینکه توانایی کودک برای فراگیری زبان، با افزایش سن کاهش می‌یابد اگر عواملی در خلال این سالها برای یادگیری زبان مداخله نمایند ممکن است دیگر هیچ وقت، زبان کودک به سطح طبیعی نرسد حتی اگر عوامل مزاحم برطرف گردند (۵). در کل استفاده نامناسب و ناکافی از این دوره منجر به تاخیر و انحراف در تکامل توانایی‌های زبانی و توانایی‌های وابسته دیگر در کودک می‌گردد (۶ و ۷).

کودکان زبان را در پایگاه‌های اجتماعی می‌آموزند. آنان زبان را از طریق برقراری ارتباط با افراد دیگر و بخصوص در وهله اول با مادر و پرستار خود فرا می‌گیرند و به نظر می‌رسد عامل آغازگر یادگیری زبان، تحریکات محیطی والدین باشد که با احساسات، صمیمیت، حساسیت و پاسخگویی مناسب خود زبان رایج در محیط خانواده را به کودک می‌

وضعیت زبانی و تحصیلی این کودکان گردید و فرصتهای شغلی و آینده بهتری را برای این کودکان ترسیم کرد (۳).

روش بررسی

الف) جامعه آماری و نمونه های پژوهش

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۲۱ کودک شبه خانواده (۱۳ پسر و ۸ دختر) با میانگین سنی ۹۰ ماه و ۲۱ کودک غیر شبه خانواده (۱۳ پسر و ۸ دختر) با میانگین سنی ۸۷ ماه بودند.

در گروه مورد کلیه کودکان کلاس اول دبستان که در شبه خانواده های شهرتهران زندگی می کردند و حداقل ۲ سال از مدت اقامت آنها در شبه خانواده می گذشت و در گروه شاهد کودکان کلاس اول دبستان که در شبه خانواده زندگی نمی کردند و در همان کلاس و مدرسه ای تحصیل می کردند که کودکان گروه شبه خانواده تحصیل می کردند، بررسی می شدند. در نهایت این کودکان توسط آسیب شناس گفتار و زبان مورد بررسی قرار گرفتند تا از لحاظ معیارهای ورود به تحقیق حائز شرایط لازم باشند.

معیارهای ورود و خروج

از جمله مهمترین معیارهای ورود به تحقیق در گروه مورد، نداشتن مشکلات ساختمانی در اندامهای گویایی، نداشتن مشکلات ذهنی، شنوایی، حسی و حرکتی و در گروه شاهد علاوه بر موارد فوق، زندگی به همراه هر دو والد بود. نداشتن هرکدام از این شرایط باعث حذف کودک از مطالعه می گردید.

ب: ابزار و روش پژوهش

اطلاعات این پژوهش از ۳ طریق مصاحبه، تکمیل پرسشنامه و بررسی نمرات ده تا دیکته آخر کودک، جمع آوری گردید. مصاحبه شامل انجام آزمون (Test Of Language TOLD Development) (۱۵) و آزمون تشخیصی خواندن (۱۶) بود که روی هم حدود ۵۰ دقیقه طول می کشید که با توجه به سن کودکان و برای پیشگیری از خسته شدن آنان مصاحبه به ۲ مرحله تقسیم شد.

استعدادهای و قابلیت های شغلی او در بلندمدت اثر بگذارد (۱۱).

یکی از مواردی که طی دهه های اخیر مطرح است مساله نگهداری کودکان بی سرپرست در مراکز نگهداری شبانه روزی است. وجود این موسسات لازم است ولی نکته مهم در ارتباط با یادگیری زبان، محرومیت این کودکان از تعامل با والدین می باشد. بعلاوه محدودیت این کودکان در تعاملات اجتماعی، یکنواختی برنامه روزانه برای تمام کودکان و نقایص بنیادی در احساسات، صمیمیت، حساسیت و پاسخگویی مراقبان (بعنوان یک اصل لازم برای گسترش توانایی زبانی) و نهایتا ایجاد یک پایه متزلزل برای آغاز و رشد مناسب مهارتهای تحصیل مطرح می باشد (۱۲ و ۱۳ و ۱۴).

در سالهای اخیر مساله کودکان شبه خانواده در کشور ما مطرح می باشد و سالانه هزینه های اجتماعی و اقتصادی کلانی را به جامعه تحمیل می نماید. در همین حال تصور عمومی چنین است که این کودکان به لحاظ امکانات در رفاه نسبی بسر می برند و در زمینه های مختلف زبانی و تحصیلی تفاوتی با کودکان دیگر ندارند. حال این سوال مطرح می گردد که آیا واقعا شبه خانواده ها در پرورش و تربیت این کودکان همانند پدر و مادرهای کودکان غیر شبه خانواده عمل می کنند؟ این کودکان در اکتساب مهارتهای زبانی و تحصیلی مانند کودکان عادی هستند؟ و آیا توانمندی این کودکان در مهارتهای تحصیلی همانند کودکان غیر شبه خانواده است؟ اگر نه چه تفاوتی دارد؟ اگر تفاوتی وجود دارد بیشتر در چه جنبه هایی دیده می شود؟

همانطور که بیان شد اختلال در مهارتهای زبانی و تحصیلی این کودکان می تواند بر استعدادهای و قابلیت های شغلی آنها در بلندمدت اثر بگذارد. از طرف دیگر با ارتقاء شرایط نامساعد شبه خانواده و ایجاد یک محیط دارای تحریکات کافی، همراه با محبت برای این کودکان می توان باعث ایجاد بهبود قابل ملاحظه در

یافته ها

میانگین نمرات زبان بهر ۲۱ پسر و دختر شبه خانواده در مقایسه با ۲۱ پسر و دختر غیر شبه خانواده با آزمون T مستقل مورد بررسی قرار گرفت که مشخص گردید میانگین های دو گروه معنادار می باشد (جدول شماره ۱). مشاهدات جانبی پژوهشگر در محیط کودکان شبه خانواده در خصوص چگونگی ارتباط کودکان با یکدیگر و نحوه برقراری ارتباط آنها نشان داد که آنها در ارتباطات خود از روش کلامی بسیار کم استفاده می کنند و وسیله برقراری ارتباط آنها عمدتاً حرکات بیانگر و حرکات چهره ای است.

پرسشنامه هر کودک گروه مورد توسط مددکاری مجتمع (شبه خانواده) و پرسشنامه گروه شاهد توسط والدین کودک تکمیل گردید که شامل گردآوری و ثبت اطلاعات فردی و خانوادگی می شد و سپس تمام کودکان توسط پژوهشگر از لحاظ وضعیت گفتاری، جسمی و حرکتی و ارزیابی اندامهای گویایی مورد بررسی قرار گرفتند و موارد مثبت در پرسشنامه ثبت گردید. این کودکان همگی در انتهای سال تحصیلی مورد آزمون قرار گرفتند تا توانایی خواندن و نوشتن تمامی حروف را کسب کرده باشند.

جدول شماره ۱: مقایسه میانگین نمرات زبان بهر کودکان شبه خانواده در مقایسه با کودکان غیر شبه خانواده.

P-value	df	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	زبان
						بهر
۰,۰۳۸	۴۰	۱۲۶	۸۱	۱۱/۱	۱۰۱/۷	شبه خانواده
		۱۲۰	۸۱	۱۰/۴	۱۰۸/۹	غیر شبه خانواده

نیز میانگین نمرات دیکته کودکان شبه خانواده در مقایسه با کودکان غیر شبه خانواده دارای تفاوت معناداری بود که در جدول شماره ۴ آمده است.

همچنین میانگین نمرات خواندن (هم در زمینه دقت خواندن و هم در زمینه سرعت خواندن) ۲۱ کودک شبه خانواده در مقایسه با ۲۱ کودک غیر شبه خانواده با استفاده از آزمون T مستقل مورد آزمون قرار گرفت و نشان داده شد که در دو گروه تفاوت معناداری دیده می شود (جدول ۲، ۳).

جدول شماره ۲: مقایسه میانگین نمرات دقت خواندن کودکان شبه خانواده در مقایسه با کودکان غیر شبه خانواده

P-value	df	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین نمره	دقت خواندن
						گروه
۰,۰۰۱	۲۱,۸	۱۹	۰	۸	۹,۹۸	شبه خانواده
		۱۹,۵	۱۳,۵	۱,۷	۱۷,۴۸	غیر شبه خانواده

جدول شماره ۳: مقایسه میانگین نمرات سرعت خواندن کودکان شبه خانواده در مقایسه با کودکان غیر شبه خانواده (بر اساس تعداد کلمه در دقیقه)

گروه	سرعت خواندن	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	df	P-value
شبه خانواده	۲۰٫۱	۱۷٫۴	۰	۵۰٫۱			
غیر شبه خانواده	۵۱٫۳	۱۳٫۱	۲۱٫۱	۶۸	۴۰	۰٫۰۰۱	

جدول شماره ۴: مقایسه میانگین نمرات دیکته کودکان شبه خانواده در مقایسه با کودکان غیر شبه خانواده

گروه	دیکته	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	df	P-value
شبه خانواده	۱۶٫۸	۲٫۵	۱۰٫۸۵	۱۹٫۸			
غیر شبه خانواده	۱۸٫۸	۱٫۱	۱۶٫۷	۲۰	۲۷٫۹۲	۰٫۰۰۳	

پژوهش مطرح گردیدند، عبارت بود از اینکه بین کودکان شبه خانواده و کودکان غیر شبه خانواده به لحاظ زبان بهر، سطح خواندن و دیکته تفاوت وجود دارد و نتیجه‌ای که بر اساس این پژوهش کسب گردید نشان داد که تفاوت معناداری بین زبان بهر، سطح خواندن و دیکته این دو گروه کودکان وجود دارد و این مساله همراست با تحقیقات رابیندویچ (۱۹۶۲)، گیفن (۱۹۶۸)، گلن (۲۰۰۲، ۲۰۰۵)، گلن و مسترز (Glennen & Masters ۲۰۰۴) Gindis Boris (۲۰۰۲)، بوریس گیندیس (۲۰۰۴) می‌باشد. ارتباط کودکان با بزرگسالان برای یادگیری زبان و کسب مهارت‌های زبان لازم و ضروری است و از سوی دیگر تجربه زندگی عادی منبع سرشاری برای این توانمندی هاست. تفاوت‌های مشاهده شده در نحوه زندگی این دو گروه کودکان می‌تواند یکی از عوامل مهم موثر در اختلافات موجود در توانمندی‌های زبان آنها باشد (۱۲).

چنین محیطی انگیزه استفاده از گفتار را به عنوان یک وسیله ارتباطی نه تنها تقویت نمیکند بلکه از نظر آموزشی نیز الگوهای مناسب در اختیار کودکان

با توجه به آزمون همبستگی پیرسون، نتیجه ای که برای فرضیه "وجود ارتباط بین تعداد سالهای حضور در شبه خانواده و میانگین نمرات زبان بهر کودکان شبه خانواده" گرفته شد حاکی از معنادار نبودن این فرضیه بود.

از سوی دیگر فرضیه «وجود ارتباط بین تعداد سالهای حضور در شبه خانواده و میانگین نمرات خواندن (دقت و سرعت)» با توجه به آزمون همبستگی پیرسون تفاوت معناداری در هر دو گروه دختر و پسر مشاهده نشد

در نهایت فرضیه «وجود ارتباط بین تعداد سالهای حضور در شبه خانواده و میانگین نمرات دیکته» مطرح گردید که با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون تفاوت بین میانگین‌ها معنادار نبود.

نتیجه گیری

آنچه در این مطالعه به آن پرداخته شد بررسی ویژگی‌های زبانی و وضعیت تحصیلی کودکان شبه خانواده با کودکان غیر شبه خانواده کلاس اول به تفکیک جنسیت بود. فرضیه‌های اصلی که در این

قرار نمی‌دهد و بدین صورت توانمندی زبانی کودکان کاهش پیدا می‌کند. کودکان غیر شبه‌خانواده تمایل بیشتری برای صحبت کردن از خود نشان می‌دهند و ارتباط بهتری برقرار می‌کنند که شاید این تفاوت ناشی از تجربه ارتباط بیشتر با بزرگسالان باشد که باعث می‌شود به راحتی صحبت کنند (۱۱).

از علل احتمالی دیگر می‌توان به برخورداری از تجارب و تعاملات اجتماعی و انگیزه‌های محیطی کودکان غیر شبه‌خانواده اشاره نمود همانطور که گلنن (۲۰۰۵) نیز موضوع داشتن انگیزه جهت رشد زبان را یکی از مسایل مهم عنوان می‌شود (۱۴).

شکل نوشتاری زبان بطور مستقیم وابسته به شکل گفتاری آن است که در کودکانی که دارای مشکلاتی در زبان گفتاری هستند مشکلاتی نیز در زبان نوشتاری آنها دیده می‌شود (۱). با تکیه بر این بحث میتوان یک دلیل تفاوت معنادار میانگین نمرات دیکته و خواندن کودکان شبه‌خانواده و غیر شبه‌خانواده را پایینتر بودن توانمندی زبانی آنها دانست، همچنان که مطرح می‌شود اختلال در مهارت‌های زبانی می‌تواند در کوتاه مدت بر وضعیت تحصیلی کودک اثر بگذارد. از دید روانی - اجتماعی نیز یادگیری خواندن و نوشتن نیازمند پیش نیازهایی است. همچنانکه رابیندویچ (۱۹۶۲) یکی از مشخصات، علل و منشا مشکلات خواندن را مشکلات عاطفی، فقدان شرایط و امکانات عنوان کرد. بر اساس الگوی راپا پورت، تکامل شخصیت کودکی که دارای مشکلات زبانی است به روال آنچه در کودکان بهنجار است صورت نمی‌پذیرد باعث ایجاد مشکلات عاطفی در کودکان می‌گردد زیرا تلاش‌های کودک در برقراری ارتباط ماهرانه و کارآمد با شکست مواجه می‌شود و تلاش‌های وی به جای پرورش احترام به نفس به احساس ملامت خویش منتج می‌گردد و در نهایت کار به انزوا و طرد خویشتن و اجتناب از برقراری ارتباط کشیده می‌شود (۱۰).

این کودک با چنین احساس از خویش و دنیای اطرافش، جهان را محیطی ناامن و هولناک خواهد یافت و

خود را فردی بی‌کفایت و شخصیتی بی‌هویت ارزیابی خواهد کرد و بعد هنگامی که چنین کودک غرور شکسته‌ای وارد مدرسه می‌شود خرد شدن شخصیت او ادامه یافته و تشدید می‌شود. مدرسه برای چنین کودکی مکانی است که هیچ کاری برای کاهش ناتوانی‌های وی انجام نمی‌دهد و فعالیت‌هایی که در جهت آموزش وی به کار می‌افتد هیچکدام قادر به درک مشکل او نیست. در محیط شبه‌خانواده پرستاران کودک با این احساسها آشنایی لازم را نداشته و نمی‌توانند کودک را برای مدرسه و تحصیل آماده نمایند در حالیکه به عقیده بارش Baresh اگر در محیط خانواده کودکی دچار مشکلی گردد والدین بطور پیوسته و در ارتباط با مشکل فرزندشان تغییراتی را نشان می‌دهند و از فنونی استفاده می‌کنند که این امر به رشد و اعاده احساس کفایت و ارزشمندی کودک آنها کمک می‌کند (۱). پس محیط شبه‌خانواده می‌تواند باعث عدم رشد و تکامل کافی توانمندی‌های زبان کودک گردد و این خود باعث احساس بی‌کفایتی در کودک گشته که با ورود به مدرسه تشدید شده و بصورت مشکلات تحصیلی پیامد خود را نشان می‌دهد. بخش دیگر مطالعه مربوط به تعیین وجود ارتباط بین تعداد سال‌های حضور در شبه‌خانواده با میانگین نمرات زبان بهر، نمرات دیکته و نمرات خواندن کودکان شبه‌خانواده بود که همبستگی معناداری بین این دو متغیرها پیدا نشد.

ارتباط بین تعداد سال‌های حضور در شبه‌خانواده با میانگین نمرات زبان بهر کودکان شبه‌خانواده با آزمون همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و ارتباطی بین این دو متغیر یافت نشد که با تحقیق انجام شده توسط مهدی پور (۱۳۷۴) که بر روی تاثیر تعداد سال‌های حضور در شبه‌خانواده بر قابلیت‌های زبانی صورت گرفته بود و کار پژوهشی فری من Free man (۱۹۹۴) که بر روی تاثیر طول مدت اقامت در شبه‌خانواده بر میزان هوش کودکان صورت گرفته است تطابق دارد. یعنی تعداد سال‌های

حضور در شبه خانواده تاثیری بر قابلیت های زبانی و به دنبال آن قابلیت های تحصیلی کودکان را ندارد. ولی نیاز به بررسی های بعدی با تعداد بیشتری نمونه می باشد.

تشکر و قدردانی

این طرح با استفاده از بودجه اختصاصی دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام پذیرفت. نویسنده لازم می دانند که از دانشگاه علوم پزشکی تهران برای حمایت مالی از این طرح تحقیقاتی تشکر نمایند.

References:

1. Gindis B. Language related issues for international adoptees and adoptive families. *adoption today*, 2004; 6: 56.
۲. پیازده ژان، زبان و تفکر کودک، تهران: انتشارات نی؛ ۱۳۶۷.
3. Bishop M. Language development in exceptional circumstances. UK: Hove press; 1993; 148-1459 .
4. Frank DA, Klass PE, Earls F, Eisenberg L. Infants and young children in orphanage. on view from pediatrics and child psychiatry. *Pediatrics*, 1996; 97(4): 569-578.
5. Leneberg M, Malabar F. Biological foundations of language. London: Cambridge university press; 1984, 18-26.
6. Locke S. The child path to spoken language. London: John wiley; 1993, 38-45.
۷. علیزاده ح، اختلالات زبان و گفتار در کودکان. تهران: انتشارات رشد؛ ۱۳۸۱.
۸. نیلی پور ر، مبانی علم گفتار، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی؛ ۱۳۸۰.
9. Glennen S. Five years later: language in school-age internationally adopted children, *Semin Speech Lang*, 2005; 26: 12-24.
۱۰. به‌پژوه ا، کندی ج، گامهای نخستین به سوی خواندن، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان؛ ۱۳۸۲.
۱۱. مهدی پور شهریور ن، بررسی و تعیین تاثیر محرومیت محیطی بر درک و بیان مفاهیم و قابلیت‌های زبانی کودکان ۶-۵ ساله شیرخوارگاه آمنه، [پایان نامه کارشناسی ارشد]، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی؛ ۱۳۷۴.
12. Glennen S. New arrivals: speech and language assessment for internationally adopted infants and toddlers within the first months home. *Semin Speech Lang*, 2005; 26: 1-11.
13. Glennen S. Tutorial: language development and delay in internationally adopted infants and toddlers. A review. *Am J Speech Lang Pathol*, 2002; 11: 333-339.
14. Glennen S, Gay masters M, Typical and atypical language development in infants and toddlers adopted from Eastern Europe. *Am J Speech Lang Pathol*, 2002; 11: 417- 433.
۱۵. حسن زاده س، مینایی ا، آزمون رشد زبانی. تهران: انتشارات آموزش و پرورش؛ ۱۳۸۱.
۱۶. شیرازی ط س، نیلی پور ر. آزمون تشخیصی خواندن. تهران: انتشارات دانشگاه بهزیستی؛ ۱۳۸۱.